نیمه پنهان کشمیر – ۵۲

داستان‌های مبهم و پیچیده درباره کشمیر

نویسنده: بشارت پیر
مترجم: بهزاد طاهرپور

ایوب یک کاری در اداره توسعه روستایی به‌دست آورد و یک سال بعد ازدواج کرد.

زندگی روزمره ادامه یافت. در صحبت‌های خانوادگی راجع به گلزار زیاد حرف زده نمی‌شود اما حضور نامحسوس او همیشه احساس می‌شود. مدارس بعد از تعطیلات زمستانه باز شدند.

صبح‌های ماه مارس که توأم با سر و صدای بچه مدرسه‌ای‌هایی است که از مقابل خانه عبور می‌کنند واقعا تماشایی است.

سربازان در سنگرهای نزدیک خانه ما به ندرت می‌خندند.

با ذوب شدن برف‌های زمستان در خط کنترل روزنامه‌ها به‌زودی اخبار و گزارش‌هایی را درمورد عبور مبارزان از کشمیر تحت کنترل پاکستان به کشمیر تحت کنترل هند منتشر خواهد کرد.

من اغلب داستان‌هایی را در مورد خانواده‌هایی که عزیزانشان را در مناقشه از دست داده و بلاهایی که سرشان آمده بود و یا کسانی که وضعیت مالی مناسبی نداشتند و برعکس کسانی مثل خانواده گلزار که ارتباطاتی داشتند و کارهایشان به‌راحتی پیش می‌رفت می‌شنیدیم.

من همچنین داستان‌هایی را در مورد خانواده‌هایی که به‌خاطر مرگ بچه‌هایشان دنبال غرامت از دولت بودند و به همین خاطر ماه‌ها در ادارات دولتی سرگردان می‌شدند می‌شنیدیم.

یکی از این داستان‌ها راجع به شمیمه بود که در روستای نسبتا دور از روستای ما زندگی می‌کرد.

یک دوست به من گفت باید حتما او (شمیمه) را ملاقات کنی.

شمیمه در روستای «لارکیپورا» حدود ۳۰ کیلومتر جنوب روستای ما زندگی می‌کرد.

آرایشگر حراف محله در حالی‌که مدام سخن‌چینی می‌کرد و سیگار می‌کشید دو ساعت برای اصلاح سر من وقت صرف کرد.

او قوه تخیل بسیار بالایی داشت.

در اوایل زمستان انفجار مینی با هدف انهدام خودرو زرهی نزدیک مغازه‌اش صورت گرفت.

او دست مرا گرفت و گفت: بشارت، در اثر انفجار، شیشه‌ها شکسته و صدای خیلی وحشتناکی به هوا بلند شد. فکر کردم مرده‌ام بعد ظرف چند ثانیه فرشته مرگ را در حالی‌که دفترچه‌ای در دستش داشت دیدم. توی آن دفترچه اسامی مردگان نوشته شده بود.

نام من درآن نبود از این رو من یک سیگار روشن کردم. می‌دانستم که دیگر آسیبی به من وارد نمی‌شود.

سرم را تکان دادم و از خدا و پیامبرش سپاسگزاری کردم.

از او پرسیدم آیا دفتری که درآن اسامی مردگان نوشته شده بود به زبان انگلیسی بود یا اردو؟

او گفت: البته که اردو بود، می‌دانی که من نمی‌توانم انگلیسی بخوانم.

از مغازه بیرون شدم تا از بقالی قهوه بخرم. او فریاد زد موهای تو آشفته و درهم و برهم است. من هم گفتم بهتره فردا داستان‌های بهتری برایم تعریف کنی.

داستان‌ها! داستان‌های خوبی در مورد کشمیر وجود ندارند. در این‌جا فقط داستان‌های مسئله‌دار، مبهم و پیچیده و حل نشده وجود دارند.

ظرف نیم ساعت با خودرو به آنجا رسیدم.لارکیپورا خانه‌های شلوغ و پرازدحامی داشت و اکثر جمعیت آن مزارع گندم داشتند اما فجایع آن از چشمان مردم عادی مخفی مانده بود. من قدم‌زنان راهی را در پیش گرفتم که به یک در آهنی ختم می‌شد.

آن طرف در، یک زن میانسال که یک فران (لباس محلی کشمیری) کهنه پوشیده بود دیده می‌شد. او روی ایوان نشسته بود و داشت یک نوع سبزی محلی پهن برگ به نام «هاخ» پاک می‌کرد.

پسربچه‌ای هم در کنارش نشسته بود. وقتی وارد حیاط خانه شدم او از سبد حصیری سبزی‌ها را کنار گذاشت و از جا بلند شد.

– من شمیمه هستم.

من روی ایوان سنگفرش شده روبه‌روی او نشستم. پسر بچه ۱۳ ساله‌ای هم در آن طرف ایوان مستطیل‌شکل در جوار یک قلیان نشسته بود.

شوهر خواهر شمیمه هم به جمع ما اضافه شد. او هم پشت سبد پر از سبزی نشست.

شمیمه یک برگ سبزی را گرفت و آن را پاره کرد و گفت: ۱۱ مه ۲۰۰۱ بود.

من شگفت‌زده شدم که مردم چگونه تاریخ دقیق اتفاقات ناگوار در زندگی‌شان را به یاد دارند، من همچنین تاریخ دقیق انفجار مین که والدینم زنده ماندند را به یاد دارم ۱۴ مه ۲۰۰۱.

شمیمه گفت: من کته گوجه فرنگی با برنج پخته بودم و منتظر بودم شفیع برای نهار به خانه بیاید. شفیع پسر ۱۷ ساله شمیمه کلاس دهم متوسطه بود که در مدرسه دولتی در «قبامارگ» نزدیک دهکده که به‌خاطر آرامگاه یک صوفی والامقام مشهور است، درس می‌خواند.

وقتی من آرامگاه را به زبان آوردم او تاکید کرد بله مدرسه درست نزدیک آرامگاه قرار دارد. پسر دیگر او بلال در کلاس نهم درس می‌خواند و شوهرش هم مجید ضمن کارگری میوه‌های خشک‌شده را در ایستگاه اتوبوس آنانتناگ می‌فروخت. در صبح ۱۱ مه ۲۰۰۱ شفیع برای تقویت درس‌هایش در فیزیک و شیمی به نزد دو معلم در روستاهای همجوار رفت. این در حالی بود که پدرش از او خواسته بود که در ایستگاه اتوبوس به کمکش برود. او حدود ظهر به خانه برگشت، من از او خواستم که نهار بخورد.

او گفت صبر کنم تا او از چوب‌بری نزدیک، هیزم مصرف خانه را بیاورد. بیست دقیقه بعد شفیع با یک فرغون پر از چوب به خانه برگشت. او سپس برای نماز جمعه عازم مسجد شد.

یک صدای مردانه‌ای گفت: «من شفیع را نزدیک خیابان منتهی به مسجد ملاقات کردم.»

من تازه متوجه شدم که یک پسر جوان با پیراهن قهوه‌ای و شلوار جین در آن طرف ایوان نشسته است. او دوست شفیع «مشتاق» بود.

مشتاق گفت: «وقتی شفیع با بلال به ما ملحق شد ما ۵ نفر بودیم. ما نماز نخواندیم. زیر درخت چنار کنار نشستیم و با هم صحبت می‌کردیم. ناگهان تیراندازی بین مبارزین و ارتش هند در روستای قبامارگ نزدیک مدرسه شفیع در گرفت. ما راجع به درگیری صحبت کردیم، فکر کردیم مدرسه ممکن است آتش بگیرد پس از آن مشاهده کردیم که کامیون‌های ارتشی از مسافت دور در حال نزدیک شدن به ما هستند».

پسرها آنجا را ترک کردند و سریعا از راه کوچه به خانه‌های خود برگشتند.

آنها از همان مسیری که من وارد روستا شده و سپس به خانه شمیمه آمده بودم به خانه برگشتند. کامیون‌های ارتشی به تدریج نزدیک شده سپس توقف کردند اما پس از چند ثانیه به تعقیب پسرها پرداختند.

مشتاق و یک پسر دیگر سریع می‌دویدند و فرار کردند. چهار تا دیگر از پسرها دستگیر شدند. روستاییان دیدند که نیروهای ارتشی پسرها را داخل کامیون انداخته و به طرف قبامارگ جایی که درگیری ادامه داشت منتقل کردند.

شمیمه آن روز روی همان ایوان داشت برای شام سبزی پاک می‌کرد، همسایه‌ها با عجله به خانه شمیمه آمده و به او گفتند که ارتش شفیع و بلال را دستگیر کرده است. ظرف چند دقیقه مادران و خواهران بچه‌های دیگر نزدیک خانه او جمع شدند.

آنها به طرف قبامارگ که دوروستا را از طریق جاده‌ای از میان مزارع خردل به هم وصل می‌کرد با شتاب حرکت کردند.

سربازان مزارع بیرون از روستا را محاصره کردند آنها سعی کردند زنان را متوقف کنند. اما آنها عقب ننشستند و راه خود را ادامه دادند.

شمیمه اکنون سر خود را بالا نگه داشته بود و نگاهش را به افق دور دست دوخته و می‌گفت: «خدا در آن روز به من شجاعت عجیبی داده بود، من با هر سربازی که سعی می‌کرد مرا متوقف کند می‌جنگیدم.»

داستان‌های خوبی در مورد کشمیر وجود ندارند. در این‌جا فقط داستان‌های مسئله‌دار، مبهم و پیچیده و حل نشده وجود دارند. من اغلب داستان‌هایی را در مورد خانواده‌هایی که عزیزانشان را در مناقشه از دست داده و بلاهایی که سرشان آمده بود و یا کسانی که وضعیت مالی مناسبی نداشتند و برعکس کسانی مثل خانواده گلزار که ارتباطاتی داشتند و کارهایشان به راحتی پیش می‌رفت می‌شنیدیم.

جنگ سرد فرهنگی؛ سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر – ۱۲۲

همایش بین‌المللی موسیقی قرن بیستم و ترویج آهنگسازی آوانگارد

فرانسیس استونر ساندرس
ترجمه حسین پاکند

نابوکف، اگرچه خود آهنگساز متوسطی بود و قطعاً روشنفکر هم محسوب نمی‌گردید، اما یکی از بزرگ‌ترین تهیه کنندگان سال‌های پس از جنگ بود که استعدادها را تشخیص می‌داد و نبوغ خلاقانه را تشویق می‌کرد. در زمستان ۱۹۵۳-۵۴، او به طور موقت به عنوان مدیر بخش موسیقی آکادمی آمریکایی در رم مستقر شد. این بدان معنا بود که او در موقعیت خوبی برای سازماندهی اولین تلاش بزرگ کنگره در صحنه موسیقی پس از فستیوال شاهکارهای ۱۹۵۲ قرار داشت.

در واقع، از بسیاری جهات، فستیوالی که ناباکف در حال سازماندهی آن بود، پاسخ رسمی به انتقاد هربرت رید از ماهیت گذشته‌نگر فستیوال پاریس در سال ۱۹۵۲ به نظر می‌رسید.

رید گفته بود: «بگذارید نمایشگاه بعدی ما نه نگاهی خودخواهانه به گذشته، بلکه نگاهی مطمئن به آینده باشد.»

اکنون، پس از پرواز به نیویورک و برگزاری یک همایش مطبوعاتی در فوریه ۱۹۵۳، ناباکف این چالش را پذیرفته بود.

او گفت: «با آن فستیوال، ما درِ گذشته را بستیم. به طور ضمنی گفتیم که این‌ها آثار بزرگی هستند. آنها دیگر «مدرن» نیستند، حتی اگر در قرن بیستم خلق شده باشند. اکنون آنها بخشی از تاریخ هستند.

حالا، من یک برنامه جدید دارم... ما قصد داریم یک مسابقه آهنگسازی برگزار کنیم که متفاوت از هر مسابقه دیگری است که تا به حال برگزار شده است.

دوازده آهنگساز جوان و مستعد اما ناشناخته بین‌المللی به رم دعوت خواهند شد و تمام هزینه‌هایشان پرداخت می‌شود. هر کدام یک قطعه موسیقی خواهند آورد و این قطعات اجرا خواهند شد... در نهایت، یک هیئت داوران ویژه که با رأی‌گیری توسط تمام شرکت‌کنندگان در همایش انتخاب شده‌اند، از میان این دوازده نفر یک اثر برنده را برخواهند گزید. و خود جایزه هم بسیار چشمگیر است: اول، یک جایزه نقدی؛ دوم، وعده اجرای قطعه موسیقی برگزیده توسط سه ارکستر بزرگ در اروپا و سه ارکستر در آمریکا؛ سوم، اثر منتشر و چهارم، توسط یک شرکت معروف ضبط خواهد شد.

علاوه بر این، حتی یازده نفر بازنده هم در واقع بازنده نخواهند بود.»

ناباکف در ادامه بیشتر شبیه به یک تبلیغ‌کننده شیکاگویی صحبت می‌کرد: «آنها علاوه بر یک سفر رایگان به رم، تضمینی از سوی همایش دریافت خواهند کرد که آثارشان نیز منتشر خواهد شد و هزینه کپی‌برداری از قطعات هم پرداخت می‌شود.

سپس او پرسید«خُب حالا این یک جایزه هست یا نه؟»

همایش بین‌المللی موسیقی قرن بیستم، که قرار بود به مدت دو هفته در اواسط آوریل ۱۹۵۴ در رم برگزار شود، تعهد کنگره به ترویج آهنگسازی آوانگارد را اعلام کرد. این همایش قرار بود در نقشه فرهنگی جهان جایگاه محکمی به کنگره به عنوان یکی از پیشگامان تجربه‌های موسیقایی آوانگارد بدهد و به جهان، نمونه‌ای غنی از آن نوع موسیقی را ارائه می‌داد که به صراحت توسط استالین ممنوع شده بود.

دولت ایتالیا قرار بود ۲.۵ میلیون لیره به حساب آمریکن اکسپرس ناباکف در رم واریز کند تا به عنوان کمک هزینه برای این رویداد استفاده شود، اما این پول هرگز نرسید (این قضیه ترس ناباکف را تشدید کرد که مبادا پول «جایی در ویرانه‌های فوروم (Forum) گم شود»).

البته مهم نبود، چون پول کافی از بنیاد فارفیلد به دست او می‌رسید که بخشی از آن برای تأمین جوایز مسابقه به مبلغ ۲۵,۰۰۰ فرانک سوئیس (۶,۰۰۰ دلار) برای بهترین کنسرتو ویولن و ارکستر سمفونی کوتاه و موسیقی مجلسی برای صدای تک و سازها، استفاده شد.

بیانیه مطبوعاتی اعلام کرداین فستیوال که «برای اثبات رشد هنر در فضای آزادی طراحی شده»، از کمک سخاوتمندانه «ژولیوس فلیشمن، وارث شرکت مشروب و مخمر آمریکایی (U.S. gin and yeast)» بهره‌مند شده است.

جانکی (Junkie) نیز دوباره برای مذاکره با ارکستر سمفونیک بوستن وارد شد که موافقت کرد اولین اجرای آمریکایی اثر برنده را در بخش تابستانی خود در تانگلوود جای دهد (تا سال ۱۹۵۳، هشت نفر از یازده عضو هیئت مشاوره موسیقی بین‌المللی کنگره با مدرسه موسیقی تانگلوود در ارتباط بودند).

همایش بین‌المللی موسیقی قرن بیستم، که قرار بود به مدت دو هفته در اواسط آوریل ۱۹۵۴ در رم برگزار شود تعهد کنگره به ترویج آهنگسازی آوانگارد را اعلام کرد. این همایش قرار بود در نقشه فرهنگی جهان جایگاه محکمی به کنگره به عنوان یکی از پیشگامان تجربه‌های موسیقایی آوانگارد بدهد و به جهان، نمونه‌ای غنی از آن نوع موسیقی را ارائه می‌داد که به صراحت توسط استالین ممنوع شده بود.

نیازمندی‌های کیهان

قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

مرکز: ۳۳۱۱۰۲۰۲ – ۳۳۱۱۲۱۹۳ – ۳۳۱۱۰۲۰۸ – ۳۳۱۱۳۵۱۹ – ۳۳۹۱۱۵۶۸ – ۳۳۱۱۲۲۹۱ – ۳۳۱۱۰۲۱۰ – ۳۳۱۱۹۲۳۶ – ۳۳۱۱۳۰۸۵ – ۳۳۱۱۸۰۵۰ – ۳۳۱۱۲۱۹۵ – ۳۳۹۴۲۰۰۰

جنوب: سعدی ۳۳۹۶۲۲۱۱ - ۳۳۹۶۲۲۳۳ – شرق استان تهران ۳۶۲۵۷۰۷۴ – اسلامشهر ۵۶۳۴۴۳۴۳ – چهاردانگه ۵۶۳۵۹۵۹۸

شمال: قلهک ۲۲۶۰۳۶۳۵ – شمیران ۲۲۷۱۲۹۷۶ – مطهری ۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲ – کرج ۳۲۲۲۴۴۱۱ – دماوند ۷۶۳۲۱۹۳۸ – شهرآرا ۶۶۵۹۲۲۶۶ -۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱

شرق – غرب: شهریار ۰۹۱۲۱۶۲۰۴۸۹ – ۶۵۲۲۲۹۳۳ – ۰۲۶-۳۲۲۲۶۰۱۳

استخدام
نگهبانی برای تعمیرگاه اتومبیل برای روز در محدوده میدان خراسان نیازمندیم
۰۹۱۲۱۷۸۸۲۶۰

حمل و نقل
متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کالای وارداتی صادراتی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا
۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

بنایی و خدمات ساختمانی
تهویه مطبوع احمدی
ساخت و نصب انواع کانال‌های گالوانیزه داکت–اسپیلت–هواساز
۰۹۱۲۵۳۴۶۶۹۴

آگهی‌های مفقودی

سند کمپانی و شناسنامه مالکیت (برگ سبز) خودرو سواری پراید GLX مدل ۱۳۸۲ به رنگ سره‌ای تیره متالیک به شماره انتظامی ۳۳۱ق ۵۹ ایران ۱۸ و شمار موتور ۰۰۵۸۱۱۳۳ و شماره شاس S۱۴۱۲۲۸۲۱۳۳۲۵۹ به نام مهناز یزدانی پویا به شماره ملی ۳۸۷۵۱۸۳۱۰۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. (همدان)

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) خودرو سواری سهند مدل ۱۴۰۳ به رنگ سفید روغنی به شماره انتظامی ۳۶۱ن ۸۶ ایران ۶۱ و شمار موتور M۱۵۱۵۳۷۵۹۶۷ و شماره شاسی NAPX۲۳۴AAR۱۰۰۹۰۱۹ به نام محمدحسین ریحانی به شماره ملی ۳۸۰۰۰۶۶۵۷۲ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. (همدان)

دفترچه کارثبت ساعت پلیس راه به نام سعید قاسمی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (کرج)

برگ سبز خودرو سواری ۲۰۷ به شماره موتور ۱۶۶B۰۰۶۲۴۵۱ و شماره شاسی NAAR۰۳FE۷NJ۵۰۶۷۲۳ و شماره پلاک ۹۳ ایران ۳۱۷ب۸۸ به نام افشین رنجبر دودجی مفقود گردیده است و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (بوشهر)

برگ سبز (سند مالکیت) موتورسیکلت کبیرو۱۲۵cc_CDI پلاک ۱۳۹۱ به شماره پلاک ۹۶۳۸۶ ایران ۶۲۲ وشماره موتور ۱۵۶FMINCV۲۰۱۰۱۶۷۳۱۱ وشماره تنه NCV**۱۲۵B۹۱۰۰۸۶۴ به نام محمدرضا سلیمیان ریزی به کد ملی ۱۱۶۰۱۸۳۷۸۳ مفقود شده اعتبار ندارد.(زرین شهر)

برگ سبز_سند ماشین سواری سیستم: سایپا تیپ: ۱۳۲ مدل: ۱۳۹۰ رنگ: مسی_متالیک شماره موتور: ۳۶۲۶۲۵۰ شماره شاسی: S۵۴۲۰۰۸۹۰۰۶۱۳۸ شماره پلاک ایران ۵۹ _ ۱۴۲ ج ۴۶ بنام همت‌اله رنجبر با کد ملی ۰۹۳۳۱۴۲۰۵۶ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.(گرگان)

سند کمپانی وبرگ سبز خودرو سواری‌هاچ‌بک سایپا، تیبا ۲ مدل ۱۳۹۸ رنگ‌سفید به‌شماره انتظامی ۵۸ و۲۷۷ ایران ۴۶ شماره موتور m۱۵/۸۷۳۱۷۸۶شماره شاسی NAS۸۲۱۱۰۰K۱۲۱۴۶۶۳ بنام حدیث رضا زاده پیله داربنی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (رشت)

برگ سبز (سند مالکیت)سواری پژو GLXI ۴۰۵ مدل ۱۳۸۵ به شماره‌پلاک ۴۹۴ق۷۳ ایران ۲۳ و شماره موتور۱۲۴۸۵۲۲۱۴۳۸ و شماره شاسی۱۲۲۰۲۸۲۶ به نام محمدمختاری کرچگانی به کد ملی۶۲۰۹۹۷۵۹۴۱ مفقود شده اعتبار ندارد. (زرین شهر)

سند و فاکتور فروش سواری هاچ‌بک ام وی‌ام H۳۱۵ به شماره انتظامی ۴۷۷ق۸۳ ایران ۹۳ موتور MVM۴۷۷EAJF۰۲۲۸۷۰ شاسیNATFBAMD۸E۱۰۱۸۸۸۹ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. (شیراز)

برگ سبز - کارت مالکیت و کارت سوخت خودرو روآ مدل ۸۷ به شماره انتظامی ۱۴۱ ب ۶۵ - ایران ۴۱ به شماره شاسی. NAAB۲۱AA۹H۰۴۴۶۹۵ و شماره موتور ۱۶۸۸۷۰۷۴۹ مفقود گردیده از درجه اعتبار. ساقط است. (بروجرد)

آگهی فقدان مدرک تحصیلی (نوبت دوم)
مدرک فارغ‌التحصیلی(گواهینامه موقت پایان تحصیلات) اینجانب آراده عالی‌پور محمدی فرزند غلامرضا به شماره شناسنامه ۱۴۵۷ صادره از مسجد سلیمان در مقطع کاردانی رشته معماری صادره از واحد دانشگاهی همدان با شماره ۱۱۹۴ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۲ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان به نشانی: همدان، شهرک شهید مدنی، بلوار امام خمینی(ره)، بلوار پروفسور موسیوند، مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان کدپستی ۶۱۵۱۸۱۸۸۹۸۵، دبیرخانه ارسال نماید.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی (نوبت دوم)
مدرک فارغ‌التحصیلی (گواهینامه موقت پایان تحصیلات) اینجانب مریم غلام‌پور کوراوند فرزند حسین به شماره شناسنامه ۱۷۴۰۳۷۹۶۹۱ صادره از اهواز در مقطع کاردانی رشته کامپیوتر صادره از واحد دانشگاهی اهواز با شماره ۱۲/۹۱۲۰۶۵ مورخ ۱۳۹۱/۰۳/۱۸ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی: اهواز، فلکه کارگر(فرهنگ شهر)، خیابان کارگر جنوبی کدپستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

دفاتر نمایندگی کیهان همه روزه تلفنی آگهی می‌پذیرد

آگهی فقدان مدرک تحصیلی
مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب کبری کرمی فرزند رحمانعلی به شماره ملی ۳۸۷۲۷۸۳۴۲۴ صادره از همدان در مقطع کارشناسی رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی صادره از واحد دانشگاهی همدان با شماره سریال ۰۹۸۰۵۹۳ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان به نشانی همدان: شهرک شهید مدنی دانشگاه آزاد اسلامی ارسال نماید. (همدان)

آگهی فقدان مدرک تحصیلی (نوبت سوم)
مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب اسما، خاقانی فرزند ضیا، به شماره شناسنامه ۶۷۹ صادره از آبادان در مقطع کارشناسی رشته روانشناسی-روانشناسی عمومی صادره از واحد دانشگاهی اهواز با شماره ۱۳۹۰۱۰۶۰۲۳۸۸ مورخ ۹۱/۰۲/۰۹ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی: اهواز، فلکه کارگر(فرهنگ شهر)، خیابان کارگر جنوبی کدپستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

آگهی مزایده (نوبت اول)- چاپ اول
دفتر موقوفات مبین در نظر دارد؛ تعداد ۵ (پنج) دستگاه خودرو را با مبلغ پایه به شرح جدول ذیل، از طریق مزایده و با رعایت شرایط و مقررات قانونی واگذار نماید.

ردیف	نوع خودرو	سال ساخت	رنگ خودرو	سایر مشخصات	مبلغ پایه (ریال)
۱	پژو پارس	۱۳۹۱	خاکستری	XU۷-CNG	۲/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۲	پژو ۴۰۵		خاکستری	GLX-XU۷-CNG	۲/۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۳	پژو ۴۰۵		نقره‌ای		۲/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۴	پژو ۴۰۵		نقره‌ای		۲/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۵	پژو ۴۰۵		نقره‌ای		۲/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰

متقاضیان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۱ صرفا در ساعات اداری، به واحد اجارات دفتر موقوفات مبین واقع در تهران- خیابان نوفل لوشاتو- نبش خیابان هانری کوربن- پلاک ۶۱ مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۲۱۶۶۷۳۶۶۱۵ تماس حاصل نمایند.

دفتر موقوفات مبین

خرید و فروش انواع خودرو
«خریدار نقدی فرسوده»
انواع خودرو و تمام مدل‌ها حتی مدارک ناقص و موتور سوخته
۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲
۰۹۱۲۰۷۰۶۴۸۷

خرید و فروش و اجاره کلیه املاک

مدرک‌لیسانس اینجانب‌عاطفه مرادی پور فرزند خدایار شماره ملی ۴۰۷۳۳۴۷۰۳۹ رشته کارشناسی پیوسته بهداشت حرفه‌ای صادره از دانشگاه ملی علوم پزشکی اراک مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. (لرستان)

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی آهنگ توسعه الموت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۰۳۳۱ ثبت قزوین و شناسه ملی ۱۰۵۷۰۰۰۴۱۸۸
بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت آهنگ توسعه الموت سهامی خاص دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی که در تاریخ ۱۴۰۴/۳/۱۰ راس ساعت ۱۸ واقع در محل شرکت منعقد است حضور به‌هم رسانید.
دستور جلسه:
۱–انتخاب بازرس اصلی و علی البدل برای مدت یک سال
۲–تصویب صورت‌های مالی سال ۱۴۰۳
۳– انتخاب روزنامه کثیر الانتشار
هیئت‌مدیره شرکت آهنگ توسعه الموت (سهامی خاص)

استخدام
موسسه ای از افرادی با شرایط زیر برای بخش های کارگری و کارمندی خود دعوت به همکاری می نماید .
● امور مالی : ۳ نفر فارغ التحصیل کارشناسی حسابداری
● امور اداری : ۲ نفر آشنا به تایپ فارسی
● واحد فنی : ۲ نفر مرد ـ با تحصیلات دیپلم
● واحد خدمات : ۲ نفر مرد ـ با تحصیلات حدود دیپلم
متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۳۳۱۱۸۳۳۳ – ۰۲۱ تماس حاصل نمایند.

فروش یکجا شهرک ویلایی
گیلان زیبا کنار– ۱۱ ویلا با تمام امکانات
۰۹۱۲۸۱۰۹۷۴۷

املاک انتظار شمال
فرصت تکرار نشدنی برای خرید ویلا و زمین در شمال منطقه نور و چمستان به هر قیمتی با بودجه شما
همین حالا با ما تماس بگیرید
۰۹۳۸۳۵۱۶۵۰۰

شرایط و فرم اشتراک نشریات کیهان در تهران سال ۱۴۰۴

متقاضیان محترم می‌توانند با توجه به جدول زیر نسبت به انتخاب هر یک از نشریات مورد علاقه و واریز مبلغ اشتراک به شماره کارت ۶۱۰۴۳۳۸۹۸۷۹۴۸۷۷۱ بانک ملت به نام چاپ و انتشارات کیهان و ارسال اصل فیش بانکی همراه با فرم تکمیل شده ذیل به صندوق پستی ۱۱۳۶۵/۳۶۳۱ با پست سفارشی نسبت به برقراری اشتراک خود اقدام نمایند.

نوع نشریه	یکساله (ریال)	شش ماهه (ریال)	سه ماهه (ریال)
روزنامه کیهان	۴۵/۰۰۰/۰۰۰	۲۲/۵۰۰/۰۰۰	۱۱/۲۵۰/۰۰۰
روزنامه کیهان انگلیسی	۱۶۵/۰۰۰/۰۰۰	۸۲/۵۰۰/۰۰۰	۴۱/۲۵۰/۰۰۰
روزنامه کیهان عربی	۱۶۵/۰۰۰/۰۰۰	۸۲/۵۰۰/۰۰۰	۴۱/۲۵۰/۰۰۰
مجله کیهان ورزشی	۲۸/۶۰۰/۰۰۰	۱۴/۳۰۰/۰۰۰	۷/۱۵۰/۰۰۰
مجله زن روز	۲۸/۶۰۰/۰۰۰	۱۴/۳۰۰/۰۰۰	۷/۱۵۰/۰۰۰
مجله کیهان بچه‌ها	۱۴/۳۰۰/۰۰۰	۷/۱۵۰/۰۰۰	۳/۵۷۵/۰۰۰
مجله کیهان فرهنگی	۲/۲۰۰/۰۰۰	———	———

توجه
۱– اشتراک عزیزانی که فرم درخواست آنها تا دهم هر ماه به امور مشترکین برسد از اول ماه بعد برقرار می‌شود.
۲– یک نسخه از کپی فیش بانکی و قبض سفارشی را تا پایان مدت اشتراک حتما نزد خود نگهداری نمائید.
۳– در صورت تغییر قیمت نشریات و یا هزینه پستی، معادل مبلغ پرداخت‌شده، نشریه مورد تقاضا ارسال می‌گردد.
۴– در صورت تمایل به اشتراک چند نشریه، برای هر کدام فیش بانکی جداگانه تهیه فرمائید.
۵– قبض پرداختی را می‌توانید به شماره ۰۹۱۲۷۹۳۲۵۶۸ با ذکر مشخصات در کانال تلگرام و یا ایتا قرار داده و به امور مشترکین اطلاع دهید.

فرم تقاضا
نام: ..... نام خانوادگی: ..... نوع نشریه: ..... تعداد نسخه..... مدت..... ماه
مبلغ پرداختی: ..... ریال شماره فیش بانکی: ..... تلفن: ..... تلفن همراه: .....
آدرس:.....
کد پستی: ..... پست الکترونیکی: .....
شماره اشتراک: .....

تلفن: ۳۵۲۰۲۲۷۸–۰۲۱ نمابر: ۳۳۹۱۰۹۲۲–۰۲۱ امور مشترکین موسسه کیهان

با حضور در نیازمندی‌های روزنامه کیهان دامنه کار خود را گسترش دهید